

بسمه تعالی

تبیین فاعلیت الهی در فرآیند خودبخودی تکامل

حمیدرضا آیت الهی

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

نظریه تکامل بر اساس دیدگاه نوداروینی ها مبتنی بر تحقق فرآیندی است که به علت اصل بقای اصلح بطور خودبخودی بدون نیاز به عاملی بیرونی جریان داشته است و تمامی نظم ها و هماهنگی های خیره کننده ای که در عالم می بینیم طی میلیونها سال و با از میدان خارج شدن ناتوان ترها و بقای سازگارترها با یک انتخاب طبیعی یکی پس از دیگری محقق شده است. با این تبیین چندین دیدگاه الهیاتی به زیر سوال رفت: برهان نظم برای اثبات خداوند، اشرافیت انسان، تفوق اخلاق تکاملی (یا اخلاق تواناترها) و نحوه خلقت انسان. کلیه این تلقی ها که بنظر می رسد دیدگاههای الهیاتی را به چالش کشیده است مبتنی بر یک برداشت نامناسب از نحوه فاعلیت و حضور خداوند در عالم است که در اثر تمثیل نابجای نظم های صناعی بشر با نظم عالم رخ داده است.

در این مقاله درصدد نیستیم که برهانی به نفع برهان نظم و یا غیر آن بیاوریم بلکه می خواهیم نشان دهیم که اگر بخواهیم مثلا برهانی بر اثبات خداوند بیاوریم باید منظور خود را از حضور الهی در عالم روشن کنیم تا در اثر خلط با دیدگاه های ناقص و غیر واقعی برهانهای ما نیز در معرض چالش قرار نگیرد.

نظریه تکامل مبتنی بر اصل تحول مداوم در عالم است و عوامل این تغییرات، نیروهای موجود بین ذرات و اجرام عالم است که در یک فرآیند، اصلح را باقی می گذارد. هرگونه تلقی از خداوند به عنوان عاملی در کنار این نیروها – همانند نظم های صناعی – نادرست است. بلکه خداوند نه تنها علت موجد آن نیروها بوده است بلکه علت مبقیه آنها نیز هست. یعنی خداوند از طریق نیروهایی که خود هر لحظه بقای آنها را تضمین می کند در کار تغییر درعالم است. در نتیجه، این تکامل خودبخودی که ظاهرا نیازی به هماهنگ کننده ندارد در اثر فعل باریتعالی در تداوم قوانین عالم است. همانگونه که ما با صور ذهنی مان یک چنین فرآیندی را در تخیل خود تصویر کنیم دیگر خودما علتی در کنار علل دیگر نظم و ترتیب را نمی بخشیم بلکه با تمامی قوانین اعمال شده بر صور خیالی ما فرآیند انجام می شود.

اگر بنا باشد اثبات وجود خداوند داشته باشیم باید این اثبات ناظر به خدایی با مشخصات ذکر شده باشد نه فاعلی همچون فاعلهای صناعی که در عرض سایر عوامل قرار گیرد. یاد آوری می گردد این نکته به معنای آن نیست که با این بیان برهانی بر اثبات خداوند آورده ایم چراکه برهان باید در جای دیگری بیان شود. در نتیجه این تلقی از خداوند، تکامل نیز چیزی جز فعل الاهی نمی تواند باشد که این فعل با انتخاب اصلح دست بکار تکامل عالم و نظم بخشی به آن است.